

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دانشکده علوم سیاسی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)
رشته روابط بین الملل

موضوع:

بررسی ریشه ای اجتماعی اسلام گرایی در آسیای مرکزی (پس از فروپاشی شوروی)

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر علی اصغر زرگر

استاد مشاور:

جناب آقای اسماعیل حسین گلی

پژوهشگر :

سید یاسر موسوی نیا

سال تحصیلی:

تابستان ۹۱

تقدیم به :

همه پدران آسمانی که با نثار خونشان آزادی و امنیت را برای ما به ارمغان آوردند و امیدواریم که بتوانیم ادامه دهنده راهشان باشیم.

تقدیر و تشکر:

و تشکر می کنم از همسرم که سایه مهربانیش سایه سار زندگیم می باشد.

و تقدیر می کنم از جناب آقای دکتر زرگر و جناب آقای حسین گلی اساتید

محترم راهنما و مشاور که راهنمایی های آنان راهگشای این رساله بود .

تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب سید یاسر موسوی نیا دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۵۰۲۲۰ در رشته روابط بین الملل که در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی ریشه ای اجتماعی اسلام گرایی در آسیای مرکزی (پس از فروپاشی شوروی) با کسب نمره ودرجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران(اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی(هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

سید یاسر موسوی نیا دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| ۱ | مقدمه..... |
| | فصل اول: کلیات |
| ۴ | ۱-۱- بیان مسئله تحقیق..... |
| ۴ | هدف های تحقیق..... |
| ۵ | انگیزه تحقیق..... |
| ۵ | سوالات پژوهش..... |
| ۵ | فرضیه پژوهش..... |
| ۵ | متغیرها..... |
| ۶ | روش پژوهش..... |
| ۶ | قلمروی پژوهش..... |
| ۶ | روش گرد آوری اطلاعات..... |
| ۶ | تعریف مفاهیم..... |
| ۷ | سازماندهی پژوهش..... |
| | فصل دوم : مطالعات نظری |
| ۱۰ | پیشینه واقع گرایی..... |
| ۱۱ | مبانی نظری واقع گرایان..... |
| ۱۷ | واقع گرایی ساختاری..... |
| ۲۶ | رنالیسم و بیان هویتی از قدرت..... |
| ۳۸ | نظریه اسلام گرایی..... |
| | فصل سوم : بررسی وضعیت اسلام گرایی در کشورهای آسیای مرکزی |
| ۴۴ | آسیای مرکزی قبل از ظهور اسلام..... |
| ۴۷ | پیشینه فعالیت گروههای اسلام گرا در سطح منطقه آسیای مرکزی..... |
| ۴۸ | اسلام در دوران کمونیسم..... |
| ۵۳ | نوگرایی اسلامی..... |
| ۶۰ | اسلام رسمی و اسلام غیر رسمی (موازی)..... |
| ۶۲ | سیاست کلاسنویت و بازگشت اسلام به منطقه..... |

| | |
|----------|--|
| ۶۵..... | اسلام پس از اضمحلال کمونیسم..... |
| ۶۷..... | اسلام سنتی..... |
| ۶۷..... | اسلام تندرو..... |
| ۶۸..... | اسلام سیاسی..... |
| ۶۹..... | نقش مفتیات در کشورهای آسیای مرکزی..... |
| ۷۱..... | روابطه دین و دولت در کشورهای آسیای مرکزی..... |
| ۷۴..... | جانبداری اسلامی از کشورهای مسلمان منطقه..... |
| ۸۵..... | اسلام گرایی در آسیای مرکزی پس از فرو پاشی کمونیسم و حادثه ۱۱ سپتامبر..... |
| | بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی اسلام گرایی به تفکیک هر کدام از جمهوری های آسیای مرکزی |
| ۸۹..... | گفتار اول: ازبکستان..... |
| ۸۹..... | اسلام گرایی در ازبکستان..... |
| ۹۴..... | مواضع و دیدگاه های جنبش اسلامی ازبکستان..... |
| ۹۵..... | گسترش فعالیت های جنبش اسلامی ازبکستان..... |
| ۱۰۳..... | اقدامات دولت برای مهار جنبش..... |
| ۱۰۶..... | ارزیابی جنبش اسلامی ازبکستان..... |
| ۱۰۹..... | جنبش اسلامی ازبکستان پس از ۱۱ سپتامبر..... |
| ۱۱۲..... | گفتار دوم: جمهوری تاجیکستان..... |
| ۱۱۲..... | خیزش اسلام سیاسی (تندرو) در تاجیکستان..... |
| ۱۱۳..... | حزب نهضت اسلامی تاجیکستان..... |
| ۱۱۶..... | ضعف ها و اختلافات درونی نهضت..... |
| ۱۱۷..... | نقاط قوت حزب نهضت اسلامی تاجیکستان..... |
| ۱۱۸..... | حزب نهضت اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر..... |
| ۱۲۰..... | گفتار سوم: جمهوری های قزاقستان و قرقیزستان..... |
| ۱۲۰..... | موقعیت اسلام در قزاقستان و قرقیزستان..... |
| ۱۲۶..... | رشد سلفی گری در قزاقستان..... |
| ۱۲۸..... | آل سعود و حمایت از سلفی های در قزاقستان..... |
| ۱۲۹..... | وضعیت آزادی مذهبی در قزاقستان..... |
| ۱۳۲..... | طریقت نقشبندیه، کبرویه، قادریه و سیویه در قزاقستان..... |
| ۱۳۴..... | گفتار چهارم: ترکمنستان..... |
| ۱۳۴..... | اسلام سکولار و سنتی ترکمنستان..... |
| ۱۳۵..... | رشد اسلام سیاسی در ترکمنستان..... |

- موانع رشد اسلام سیاسی در ترکمنستان..... ۱۳۹
- تاثیرات ۱۱ سپتامبر بر ترکمنستان..... ۱۴۱

فصل چهارم: بررسی موانع ریشه ای اجتماعی اسلام گرایی در آسیای مرکزی

- الف (عوامل خارجی..... ۱۵۱
- پیوستگی آسیای مرکزی به جهان اسلام ۱۵۱
- ظهور اسلام و بروز جنبش ها و دولت های اسلامی منطقه..... ۱۵۲
- تبلیغات و سرمایه گذاری وسیع کشورهای خارجی ۱۵۳
- حضور و تاثیر شبکه های رایانه ای و اینترنتی..... ۱۵۴
- همگرایی و هم زیستی جهان اسلام ۱۵۴
- ب)عوامل داخلی..... ۱۵۴
- کشش فطری و باطنی عامه مردم..... ۱۵۴
- گذشته و دیرینه مذهبی این جمهوری ها..... ۱۵۵
- جمعیت رو به افزایش این جمهوری ها..... ۱۵۶
- مشکلات اجتماعی و اقتصادی ۱۵۶
- سیستم های خودکامه و کاهش نفوذ اقتدار رژیم های حاکم..... ۱۵۷
- ج)موانع رشد اسلام گرایی سیاسی در منطقه..... ۱۵۷
- محدودیت گروه های اسلامی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر..... ۱۵۹
- اسلام ستیزی غرب ۱۶۰
- عدم وجود کادرهای قوی اسلامی..... ۱۶۰
- ح) نوع اسلام متصور در آینده ی آسیای مرکزی..... ۱۶۱

فصل پنجم: بازیگران خارجی در عرصه هویت اسلامی آسیای مرکزی

- عربستان سعودی ،گسترش وهابیت..... ۱۶۴
- پاکستان ۱۶۵
- ترکیه ۱۶۸
- ایران ۱۷۲
- آمریکا..... ۱۷۹
- روسیه..... ۱۸۲
- رژیم صهیونیستی..... ۱۸۳
- چین ۱۹۰

فصل ششم: چشم انداز اسلامگرا در آسیای مرکزی

- بنیادگرایی اسلامی در مقابل تجردگرایی دولتی ۱۹۸
- جریان تندور اسلامی، حافظ منافع القاعده در آسیای مرکزی ۲۰۰
- سلفی‌گری تهدیدی برای امنیت و ثبات جامعه تاجیکستان ۲۰۳
- تقویت لایحه هویت اسلامی دولت جمهوری تاجیکستان ۲۰۴
- دره فراغانه کانون احتمالی نا آرامی آینده در آسیای مرکزی ۲۰۷
- ظهور دو فرایند متضاد در آسیای مرکزی - اتحاد اسلامی و ناسیونالیسم قومی ۲۰۹
- نتیجه‌گیری ۲۱۵
- پیشنهادات ۲۱۹ منابع و
- مآخذ ۲۲۷

مقدمه:

دین اسلام در تاریخ تمدن آسیای مرکزی نقشی مهم داشته و از عناصر هویت ساز آن محسوب می شود. هر چند در چند سده اخیر، تحولات سیاسی-اجتماعی منطقه منجر به ظهور شکل های متنوعی از هویت و هویت طلبی اسلامی شده، ولی خلل جدی بر ماهیت نظام اعتقادی مسلمانان منطقه وارد نشده است. آنها در واکنش به شرایط محیطی، تصویری از اسلام خواهی را به نمایش گذاشتند که قابلیت انطباق با شرایط موجود را داشته که بخشی از آن در تقابل با شرایط سخت اتخاذ شده بود. به همین جهت امروزه، مسلمانان آسیای مرکزی از لایه های هویت اسلامی مختلفی شکل گرفته اند. پژوهشگران مسائل اسلامی منطقه نیز بی توجه به این لایه های هویتی نبوده و بر حسب تجربه و بینش خود تقسیم بندی هایی از قبیل ((اسلام رسمی))، ((اسلام غیر رسمی))، ((اسلام سنتی))، ((اسلام حکومتی))، ((اسلام تندرو)) و همچنین ((اسلام طریقتی)) و ((اسلام رسمی - حنفی)) انجام داده و تحولات هر کدام از این طیف ها را در ارتباط با محیط درونی و پیرامونی مورد بحث قرار داده اند. در این بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی که در عرصه هویتی اسلامی آسیای مرکزی منافی برای خود تعریف کرده و به عنوان بازیگر فعالیت می کنند. طبق منافع و ماهیت اعتقادی خود؛ رفتار ایدئولوژیک خود را بر این لایه های اسلامی منطقه تحمیل می کنند و حتی در پی تقویت یا تضعیف یک لایه هویتی به نفع دیگری هستند.

با این وجود، امروزه در دو لایه هویتی اسلامی شاهد تحولات قابل توجهی هستیم. یکی از این لایه ها، شبکه طریقتی تصوف است که در سال های اخیر رشد چشمگیری داشته و در کانون توجه دولت های منطقه و سایر بازیگران فرا منطقه قرار گرفته است. برای نمونه دولت های سکولار حاکم بر آسیای مرکزی برای مقابله با اسلام گرایان تندرو (که وجه مشترک شان در همه کشورها به چالش کشیدن حاکمیت های فرسوده بازمانده از دوران شوروی است) در صدد میدان دادن به طریقت های تصرف که ماهیت محافظه کاری داشته یا حداقل در مقابل رادیکالیسم اسلامی قرار می گیرند، هستند. امری که علاوه بر دولت های منطقه در توصیه های استراتژیست های آمریکایی هم برای جلوگیری از بنیاد گرایی در آسیای مرکزی لحاظ شده است. البته فرایند سیاسی شدن این لایه هویتی اسلامی، از توجه دولت مردان آسیای مرکزی به دور نیست و در جای خود حساسیت هایی را از خود نشان می دهند.

دومین لایه هویتی، اسلام گرایان تندرو است که شرایط اش به کلی متفاوت است. این لایه هویتی که توانسته در درون خود چندین گروه و تشکیلات پر طرفدار را سازماندهی کند، متأثر از شرایط منطقه ای و شرایط حاکم بر جهان اسلام جبهه فراگیری را در مقابل دولت های سکولار آسیای مرکزی و همچنین سایر دولت های غرب گرای کشورهای اسلامی به وجود بیاورد.

یکی از مسائل مهم مرتبط با آسیای مرکزی در شرایط کنونی نوع نگاه حاکمان و دولتهای منطقه به دین و جایگاه نهادهای دینی در جوامع منطقه می باشد. در مقطع فروپاشی شوروی هر پنج کشور واقع

در منطقه شامل قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان اقدام به تصویب قوانین اساسی جدید خود کردند. یکی از مفاد مشترک در قوانین اساسی همه کشورهای منطقه پذیرش نظامهای سیاسی لائیک به عنوان نظام سیاسی رسمی در کشورهای منطقه بوده است. بر اساس نظام سیاسی لائیک نهادهای دینی و فعالان مذهبی حق دخالت در امور سیاسی و اجتماعی را ندارند. این لایه هویتی با اینکه در سطح منطقه و جهان دشمنان سرسختی دارد ولی در فضای جنبشهای اسلامی، دوستان و همکاران قدرتمندی هم دارد و گاهی این لایه هویتی و سازمانها و تشکیلات مرتبط با آن، به همکاریهای راهبردی با سازمان القاعده دست میزنند. امری که در پاکستان مشهود است در مقابل دولت های سکولار آسیای مرکزی سعی می کنند یک لایه هویتی، ((اسلام دولتی)) را مهندسی کنند تا در خدمت قدرت و نفوذ آنها باشد.

فصل اول: کلیات

۱-۱- بیان مساله تحقیق

پس از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی بنیاد گرایی اسلامی در آسیای مرکزی از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است . گروه های اسلامی ازباز یگران تحولات دهه ۱۹۹۰ در آسیای مرکزی بوده اند. این گروهها با بهره گیری از ریشه های عمیق باورها و تمایلات اسلامی در منطقه ، تلاش وسیعی را سازمان داده اند . به دنبال تجزیه اتحاد شوروی و شکل گیری پنج جمهوری مستقل در آسیای مرکزی ، احیای گرایش های اسلامی سبب بروز تحولات جدی در این منطقه گردیده است . حضور میلیون ها مسلمان در پی فروپاشی مدل توسعه کمونیستی ظرفیت قابل توجهی را برای گسترش تمایلات اسلامی در

منطقه فراهم آورده است. رهبران این جمهوری ها که جز قرقیزستان همان نخبگان سیاسی در دوران اتحاد شوروی هستند، اسلام سیاسی را جدی ترین رقیب خود برآورد کرده اند. مردم مسلمان منطقه که در طول دوران کمونیسم به طور مستمر و منظم تحت تاثیر تبلیغات شدید علیه اسلام قرار داشتند، در پایان این عصر توجه به اسلام به بخشی از هویت جدید خود را آشکار ساختند. مجموعه ای از عوامل بیرونی و درونی اسلام گرایی در آسیای مرکزی را تقویت کرده است.

گسترش روند اسلام گرایی در جهان پس از انقلاب اسلامی ایران و خصوصاً بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بعنوان یک عامل تهدید برای دولتمردان جوامع غربی و شرقی تلقی گردیده و در واقع دنیای غرب و شرق خود را در تقابل با این روند رو به توسعه احساس می نماید. از آنجائیکه این روند نقش تعیین کننده ای در جوامع آسیای مرکزی ایفا می نماید ضروریست از یک سو پیامدهای فرهنگی-سیاسی آن و از سوی دیگر ارتباط و همسویی آنها با سیاست های فرهنگی کشورمان، بیش از پیش مورد توجه و تعمق قرار گیرد.

در شرایط پس از ۲۰ شهریور (۱۱ سپتامبر) این عنصر از تاثیر بیشتری برخوردار شده است. نخبگان سیاسی آسیای مرکزی نیز اسلام سیاسی را مهم ترین رقیب سیاسی خود برآورد کرده اند

۲-۱- هدفهای تحقیق:

در نگاه اجمالی می توان اهمیت و ضرورت پژوهش را به شرح زیر طبقه بندی کرد.

- ۱- اهمیت رشد اسلام گرایی در کشورهای آسیای مرکزی
- ۲- مطالعه علمی در خصوص فرهنگ و تمدن کشورهای آسیای مرکزی
- ۳- حضور قدرت های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا، روسیه و چین در این منطقه
- ۴- اهمیت استراتژیک منطقه آسیای مرکزی از لحاظ منابع و موقعیت ژئوپولیتیکی

۳-۱- انگیزه تحقیق:

نگارنده به عنوان تهیه کننده رادیوی قزاقی (اداره کل آسیای مرکزی و قفقاز) در معاونت برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به صورت مداوم تحولات این منطقه را پیگیری کرده و از طرفی این پژوهش که به صورت آکادمیک و دانشگاهی انجام می شود می تواند اطلاعات نگارنده را برای کمک به برنامه سازی و نگارش تفسیر و تحلیلهای در این سازمان بالا ببرد.

۴-۱- سوالات پژوهش:

سوال اصلی:

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روند اسلام گرایی در کشور های آسیای مرکزی چه سمت و سوی داشته است؟

۵-۱- فرضیه پژوهش:

فرضیه اصلی:

تمایلات اسلام گرایی در آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به تدریج روند نزولی داشته است.

۶-۱- متغیرها:

در این پژوهش زمینه و تمایلات اسلام گرائی متغیر مستقل و موانع رشد اسلام گرایی در این منطقه متغیر وابسته به شمار می روند..

۷-۱- روش پژوهش

در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی استفاده می شود . شواهدی برای درک تحولات منطقه ارائه می شوند و تحلیلهایی بر مبنای این شواهد صورت می گیرد . جمع آوری داده ها هم عمدتاً به صورت کتابخانه ای و به ویژه اینترنتی صورت می گیرد در بسیاری از موارد دسترسی به مقالات چاپ شده در مجلات گوناگون به کمک اینترنت صورت می گیرد.

۸-۱- قلمرو پژوهش

قلمرو این تحقیق پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی یعنی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ است و از بعد مکانی آسیای مرکزی شامل کشورهای قزاقستان ،قرقیزستان ،تاجیکستان ؛ازبکستان و ترکمنستان را شامل می شود.

۹-۱- روش گرد آوری اطلاعات:

روش کتابخانه ای از طریق تهیه فیش و استفاده از منابع مختلف مربوطه؛ و استفاده از سامانه های الکترونیکی در گرد آوری اطلاعات و یافته های پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

۱۰-۱- تعریف مفاهیم:

اسلام گرایی:

رویکرد به اسلام در دوره پس از شوروی اسلام مورد حمایت دولت است که ادامه سیاست های رسمی نسبت به اسلام در اواخر دهه ۱۹۸۰ می باشد. حمایت رهبران آسیای مرکزی از اسلام در واقع اعتراف به این واقعیت بود که پس از خط بطلان کشیده شدن بر ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم جامعه در یک خلأ معنوی قرار بود که پر نکردن آن ممکن است به بروز و گسترش رگه های افراطی از اسلام بیانجامد. در عین حال بهره گیری از اسلام به عنوان یک عامل هویت ساز در دوره ای که جمهوری های مستقل آسیای مرکزی در صدد بازسازی هویت خویش هستند را باید در نظر داشت .

آسیای مرکزی:

منطقه ای است که شامل کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و قزاقستان می باشد اما در قاموس روس ها قزاقستان جز آسیا مرکزی قرار نمی گیرد و لفظ آسیا میانه بکار برده می شود که قزاقستان رانیز در بر می گرفت. این منطقه توسط کشورهای ایران، افغانستان، چین و روسیه محدود می شود .

فروپاشی شوروی:

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا اتحاد شوروی یا بطور خلاصه شوروی، کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد، که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲ تا زمان انحلال در ۱۹۹۱ بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می شد. اتحاد جماهیر شوروی حاصل انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بود و روسیه بخش بزرگتر آن را تشکیل میداد. پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ و در طی دوره های که به جنگ سرد موسوم است، شوروی و آمریکا ابرقدرتهای جهانی به شمار می رفتند، و بر تمام مسایل جهانی مانند سیاستهای اقتصادی، روابط بین المللی، تحرکات نظامی، روابط فرهنگی، پیشرفت دانش به خصوص در فن آوری فضایی تاثیر داشتند. در این کشور تمام قدرت سیاسی و اداری در دست تنها حزب مجاز، حزب کمونیست اتحاد شوروی بود.

۱۱-۱ سازماندهی پژوهش

این پژوهش از شش فصل و نتیجه گیری تشکیل شده است. در فصل اول کلیات پژوهش شامل بیان مسئله اهداف و سوالات و مفروضه های پژوهش و تعریف مفاهیم مورد بحث قرار گرفته است در فصل دوم نیز به نظریات تئوریک و چهارچوب نظری بحث شامل واقع گرایی و عوامل تعیین کننده اجتماعی، هویت جمعی و بافت فرهنگی، نهادی پرداخته شده است.

فصل سوم نیز بررسی وضعیت اسلام گرایی در کشورهای آسیای مرکزی و همچنین به تاریخچه اسلام گرایی در منطقه آسیای مرکزی پرداخته شده است و همچنین این پژوهش نیز به بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی اسلام گرایی به تفکیک هر کدام از جمهوری های آسیای مرکزی اشاره شده است.

فصل چهارم به بازیگران خارجی در عرصه هویت اسلامی در آسیای مرکزی را بررسی قرار داده است که شامل اهداف سیاسی، اجتماعی است در این فصل به نفوذ و تأثیری گذاری قدرت های منطقه در کشورهای آسیای مرکزی نیز پرداخته شده است.

در فصل پنجم نیز به بررسی علل ریشه ای اجتماعی اسلام گرایی در آسیای مرکزی پرداخته شده است. و فصل ششم به چشم انداز گروه های اسلام گرا، نیز نتیجه گیری و فهرست منابع شامل مقالات، کتب و سایت های اینترنتی می باشد

فصل دوم :

مطالعات نظری

مقدمه:

شرایط جدیدی که پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که به معنای فروپاشی نظام دوقطبی بود، پدید آمده است، سئوالات فراوانی را در ارتباط با ماهیت نظام جهانی، ساختار آن، کانون‌های جدید قدرت و چالش‌های فرآروی آن، در روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. هر یک از مکاتب با توجه به مؤلفه‌ها و کارکردهای خود به گونه‌ای متفاوت نظریه پردازی کرده‌اند.

همانطور که اشاره گردید، به دنبال پایان جنگ سرد، جهان از حالت دوقطبی ایدئولوژیک به سوی حالتی مبهم و پیچیده سوق پیدا کرد. بنابراین در عرصه روابط بین‌الملل اتخاذ سیاست خارجی واقع‌گرایانه از سوی دولت‌ها- خاص آنکه آن دولت از جایگاه ویژه‌ای در نظام جهانی برخوردار باشد و حتی آنکه برای خود نوعی رسالت جهانی قائل باشد- نبایستی جزم اندیشانه باشد.

۱-۲- پیشینه واقع‌گرائی:

تبیین روابط میان انسانها از ساده‌ترین سطح تا تشکیل دولت‌ها و نهایتاً روابط میان دولت‌ها از نگرانی‌هایی است که اندیشمندان علوم انسانی را از ابتدا تا کنون به خود مشغول کرده است. دسته‌ای از اندیشمندان و صاحب‌نظران با عنوان واقع‌گرا نیز بر اساس رهیافت و نگرش منحصر به فرد بدین مسائل پرداخته‌اند.

بدون شک واقع‌گرائی عملاً مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل بوده است. آنان از این نظر رویکرد خود را واقع‌گرایانه می‌خوانند که با واقعیت بین‌الملل هم خوانی دارد. (مشیرزاده، ۷۳: ۸۵) تا پیش از قرن بیستم، تاکید نظریه‌پردازان سیاسی به سطوح داخلی کشورها متمرکز بوده است، اما شروع قرن بیستم در حقیقت شروعی برای نظریه واقع‌گرایانه در سطح بین‌المللی محسوب می‌آید. استراتژی انزوگرائی آمریکا تا اوایل قرن بیستم، عملاً مانعی از طرح جدی چنین مسائلی شده بود. حتی اگر اندیشمندی در چنین فضائی نظریه‌ای واقع‌گرایانه نیز از روابط بین‌الملل ارائه می‌نمود، بدلیل عدم کارائی و استفاده از آن در سیاست‌گذاری خارجی و سمت‌گیری‌ها، ناشناخته و بی‌توجه باقی می‌ماند. همزمان با تغییر جهت استراتژی کلان آمریکا از انزوا به اتحاد و درگیری در جنگ دوم جهانی باعث توجه جدی اندیشمندان به نظریه‌های واقع‌گرایانه در عرصه روابط بین‌الملل شد. (رضائی، ۴۶-۴۲: ۷۶) بر خلاف برخی مفروضه‌های مشترک میان اندیشمندان واقع‌گرا، شاهد نظریه‌های غیریکسان و بعضاً

متناقض در رویکرد واقع‌گرائی می‌باشیم. (Griffiths, 3:1999) لذا واقع‌گرائی را می‌توان بر اساس تغییرات آن بر اساس دگرگونی‌های روابط بین‌الملل به سه رهیافت تقسیم کرد:

زمانی که رئالیسم بعنوان اساس تئوری روابط بین‌الملل مطرح شد، بطور طبیعی تأکید زیادی بر دولت‌ها نمود. جهانی که رئالیست‌های کلاسیک با آن مواجه بودند جهان دولت-ملت‌ها بود که تعدادی از همین دولت‌ها هم امپراطوری بودند. امروزه عامل قدرت سیاسی بصورت یک عامل تعیین‌کننده به همراه حقوق و اقتصاد، مسیر خود را می‌پیماید. داستان قدرتهای بزرگ، اتحاد و جدایی بین آنها، ظهور دولت‌های قدرتمند جدید و پیامدهای مخرب و ویرانگر جنگ‌ها، خمیرمایه اصلی تئوری‌های رئالیست‌های کلاسیک بود. تفکر رئالیست‌های کلاسیک در قالب گفتمان تاریخی بود.

پس این دیدگاه مبتنی بر شرایط تاریخی در مطالعه روابط بین دولت‌ها بوسیله برخی نظریه‌پردازان به چیزی تغییر یافت که نئورئالیسم نام گرفت. نئورئالیسم در تلاش برای دستیابی به یک دانش و علم فرازمانی، در مسیر متفاوتی به راه خود ادامه داد. نئورئالیسم در جریان جنگ سرد رشد کرد و در واقع انعطاف‌ناپذیری ساختارهای فکری آن دوره را منعکس نمود. (رابرت کاکس، ۱۸-۱۷: ۸۰)

اخیراً پژوهشگران مطالعات امنیتی به ویژه در ایالات متحده برداشت متفاوتی از رئالیسم ارائه کرده‌اند که منافع آنها را در فهم ماهیت تهدیدهای امنیتی نشان می‌داد. این تهدیدها بوسیله نظام بین‌الملل و گزینه‌های استراتژیک که دولت‌ها برای بقاء و پیشرفت در این نظام باید تعقیب کنند، بوجود می‌آید. این دو برداشت به رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی مشهور گردیده است. (لمی، ۴۲۲-۴۲۱: ۸۳)

۲-۲- مبانی نظری واقع‌گرایان:

نظریه واقع‌گرائی بعد از جنگ جهانی دوم غالب شد. به عقیده یکی از تاریخ دانان به نام فریدریش ماینک، دولت اصل بنیادین رفتار بین‌الملل، یعنی اولین قانون اقدامات دولت است. دولت-که بازیگر اصلی در سیاست بین‌الملل شناخته شده است- باید به دنبال قدرت باشد و این وظیفه دولتمردان است که از لحاظ عقلانی مناسب‌ترین گام‌ها را ارزیابی کنند تا بقای دولت را در محیط خصمانه و تهدیدآمیز تداوم ببخشند. از نظر طیف مختلف رئالیست‌ها، بقای دولت امر قطعی و مسلم نیست زیرا استفاده از زور، که در شکل جنگ ظاهر می‌شود، ابزار شروع کشورداری است.

رئالیست‌ها نسبت به این عقیده تردید دارند که اصول جهانی اخلاقی وجود داشته باشد و بنابراین به رهبران کشورها هشدار می‌دهند تا منافع خود را در راه پایبندی به دیدگاه مبهم رفتار اخلاقی قربانی نسازند. به علاوه رئالیست‌ها معتقدند ضرورت بقاء، رهبران دولت‌ها را وادار می‌دارد تا از اخلاقیات سنتی

فاصله بگیرند. این اخلاقیات ارزش مثبتی برای احتیاط، پرهیزگاری و خیر بشریت قائل است. مدافعان خرد دولت اغلب از معیارهای دوگانه اخلاقی صحبت به میان می‌آورند: نخست، معیارهای اخلاقی برای شهروندانی که در کشور زندگی می‌کنند و دیگری معیارهای متفاوت دولت در روابط خارجی خود با دیگر کشورها. توجیه این دو معیار اخلاقی از این واقعیت ریشه می‌گیرد که در شرایط سیاست بین‌الملل اغلب سران کشورها را وا می‌دارد تا به شیوه‌ای رفتار کنند که برای افراد کاملاً غیر قابل قبول است.

رئالیست‌ها از زمان عهدنامه وستفالی (۱۶۴۸) دولت‌های دارای حق حاکمیت (مستقل) را به عنوان بازیگر اصلی در سیاست بین‌الملل در نظر می‌گیرند و از آن اغلب به عنوان فرضیه دولت-محور در نظریه رئالیسم یاد می‌شود. مشروعیت دولت همان چیزی است که آنرا قادر می‌سازد تا اقتدار را در محیط داخل بکار گیرد آنان استدلال می‌کنند که با این حال خارج از مرزهای کشور، هرج و مرج وجود دارد. منظور از هرج و مرج این است که سیاست بین‌الملل در محیطی اجرا می‌شود که قدرت فراگیر مرکزی بالاتر از مجموعه کشور داری که دارای حق حاکمیت هستند، وجود ندارد. از این رو مفهوم هرج و مرج از سوی رئالیست‌ها به این منظور بکار گرفته می‌شود که حوزه روابط بین‌الملل فاقد قدرت مرکزی است. (دان، ۳۲۱-۳۲۱: ۸۳) رئالیست‌ها تمایز مشخصی بین سیاست داخلی و بین‌المللی قائل هستند. یکی از دلایل عمده این است که سیاست داخلی می‌تواند خواسته‌های قدرت طلبانه افراد را به شیوه‌های ملایم‌تر محدود و جهت دهی کند، در حالی که سیاست بین‌الملل نمی‌تواند این گونه عمل کند. توجیه مهمی که رئالیست‌ها برای این اختلاف رفتار ارائه می‌کنند به ساختار سازمانی متفاوت سیاست داخلی و بین‌المللی مربوط است. رئالیست‌ها معتقدند ساختار اصلی سیاست بین‌الملل هرج و مرج آمیز است و در آن دولت‌های حاکم مستقل، خود را برترین مرجع محسوب می‌کنند و برعکس، سیاست داخلی اغلب به عنوان ساختاری سلسله‌مراتبی توصیف شده است که در آن بازیگران مختلف سیاسی بر اساس سلسله‌مراتبی نسبت به یکدیگر قرار دارند.

رئالیست‌ها تا حدود زیادی به دلیل شیوه‌ای که محیط بین‌المللی را ترسیم می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که اولویت نخست سران کشورها حفظ بقای کشور است. بنظر می‌رسد دولتهایی که در عرصه قدرت جایگاه برتری دارند نسبت به بقیه دولت‌هایی که قدرت کمتری دارند، شانس بیشتری برای بقا دارند. قدرت در واژگان رئالیسم بسیار مهم است و بصورت سنتی، در معنای نظامی-استراتژیک تعریف شده است. صرفه نظر از میزان قدرتی که یک دولت دارد، منافع ملی بنیادین همه کشورها بایستی بقا باشد. در حالیکه کشورها منافع متعددی مانند اقتصادی، زیست محیطی و بشر دوستانه دارند اما اگر